



رژیم صهیونیستی به دنبال چیست؟

اسرائیل عامل اصلی نا امنی در منطقه

صفحه ۱



این تهدید هنوز کار ساز است؟

مکانیسم ماشه؛ از تهدید

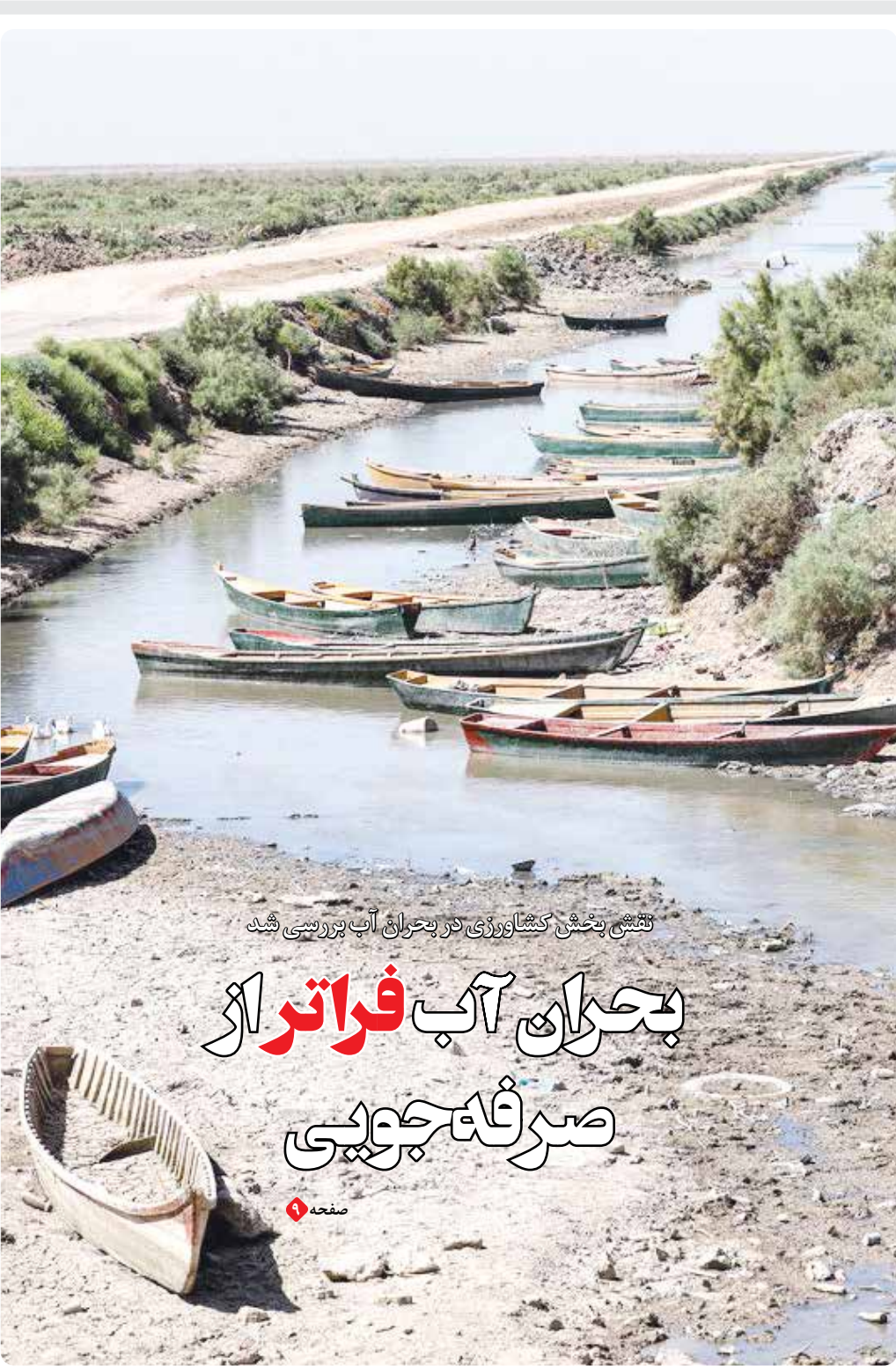
اروپا تا گزینه‌های ایران

تهران این روزها در برابر یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی دوران پسابرجام قرار دارد؛ تهدید کشورهای اروپایی به فعال‌سازی «مکانیسم ماشه». این اقدام نه تنها پرورنده برجام را به طور کامل خواهد بست، بلکه احتمال هرگونه دیپلماسی در آینده نزدیک را نیز از بین می‌برد.

در ماه‌های اخیر، تهدیدات کشورهای اروپایی، به‌خصوص سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان علیه ایران شدت بی‌سابقه‌ای به خود گرفته و این سه کشور دیگر رویکرد ضدایرانی خود را پشت لفاظی‌های سیاسی مخفی نمی‌کنند و آشکارا ضمن حمایت از حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه تمامیت ارضی ایران، این کشور را با مکانیسم ماشه تهدید می‌کنند. تهدید کشورهای اروپایی به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، یعنی بازگشت تمامی تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران. در حالی که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند مبنای حقوقی این اقدام نه تنها سست، بلکه فاقد مشروعیت است، برخی تحرکات فنی و دیپلماتیک نیز در جریان است که می‌تواند آینده مناسبات ایران و اروپا را دگرگون کند.

نگاه عمیق‌تر: مکانیسم ماشه یا “Snapback Mechanism” سازوکاری مندرج در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام و بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مصوب سال ۱۳۹۴ است که اجازه می‌دهد در صورت «نقض اساسی» تعهدات برجام از سوی ایران، یکی از اعضای گروه ۵+۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه یا چین)، سازوکاری را فعال کند که بدون نیاز به رأی‌گیری در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تمام تحریم‌های پیش از برجام سازمان ملل علیه ایران به‌طور خودکار بازگردد.

شرح در صفحه ۱



تشکی بخش کشاورزی در بحران آب بررسی شد

بحران آب فراتر از صرفه‌جویی

صفحه ۱



دیپلماسی؛ فرصت استراتژیک نه تهدید

نگاه‌های جناحی و تفرقه‌های داخلی، کشور را در بزنگاه‌های حساس با چالش‌های زیادی مواجه کرده و مانع از تصمیم‌گیری‌های مقتدرانه و مؤثر شده است. برای عبور از این بحران، نیازمند همدلی، وفاق و تمرکز بر منافع ملی هست، تا با اتحاد داخلی بشتوانه‌ای قوی برای دیپلماسی هوشمندانه و مقتدر فراهم شود. تنها در سایه اتحاد و حذف نگاه‌های شخصی و جناحی، ایران قادر خواهد بود موقعیت خود را در منطقه تثبیت کرده و فشارهای خارجی را با قدرت دیپلماسی کاهش دهد.

امروز کشور در میانه یک بزنگاه حساس تاریخی قرار دارد؛ از یک سو فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی ناشی از تحریم‌ها و تهدیدات مستمر آمریکا و اسرائیل، کشور را در شرایط دشواری قرار داده‌اند و از سوی دیگر، وجود شبکه‌های نفوذی که اطلاعات حیاتی را به دشمنان منتقل می‌کنند، در شرایط فعلی کشور، واقعاً تمرکز بر دیپلماسی مقتدرانه که بر پایه قدرت واقعی نظامی و اتحاد ملی استوار باشد، می‌تواند کلید پیشرفت و رفع مشکلات باشد. وقتی پشتوانه‌ی قوی در حوزه‌های نظامی و اجتماعی باشد، می‌توان با دست پر و با اعتماد به نفس وارد مذاکرات شد، و از طریق دیپلماسی، فشارهایی مثل اسنپ‌یک یا ماشه را خنثی کرد.

هوشمندی در دیپلماسی یعنی بدون بهانه دادن به طرف مقابل، راه‌حل‌های دیپلماتیک برای مسائل پیچیده پیدا شود و در عین حال عزت و منافع ملی را حفظ کرد. به‌خصوص الان که تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بیشتر شده‌اند، راه‌حل اصلی قطعاً در دیپلماسی فعال، هوشمند و مقتدر نهفته است.

پیچیدگی اوضاع را دوچندان کرده است. در چنین شرایطی، اتخاذ رویکردی عقلانی، تدبیر شده و منسجم بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است.

ادامه در صفحه ۲



کدام آثار در صف اکران ماندند؟

خواب تابستانی

فیلم‌های فجر ۴۳

صفحه ۲



از آذربایجان تا خوزستان

تنور تابستان داغ‌تر

می‌شود

صفحه ۲



شعارهایی که خیلی زود رنگ باختند

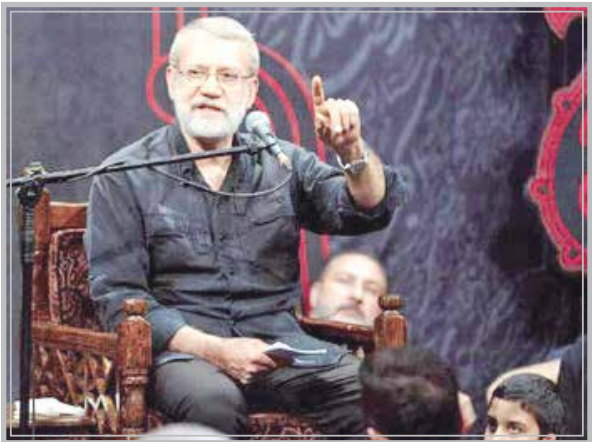
احمدی‌نژاد آئینه عبرت

تاریخ

صفحه ۲

این همان علی لاریجانی است که بعد از دشمنی پایداریچی‌ها با او

صلاحیتش در شورای نگهبان رد شد



مزمه‌های شکست داشتند این علی لاریجانی بود که بعد از پیام رهبری، کامل‌ترین و منسجم‌ترین روایت از جنگ ۱۲ روزه و پیروزی ایران را ارائه داد و بعد هم یکی از سخنرانان اصلی مراسم وداع با شهدا بود تا در هر سخنرانی روشنگری و پیام‌های دقیقی به دشمن مخابره کند.

علی لاریجانی نشان داد که مرد جنگی بودن به شعار دادن در زمان صلح نیست؛ وی نشان داد مرد روزهای سخت است، چه زمانی که کشور نیاز به دفاع از عقلانیت و دیپلماسی دارد او در خط مقدم است و ترسی از آماج تهمت‌ها و توهین‌ها قرار گرفتن ندارد، چه زمانی که کشور در شرایط جنگی است و نیاز به تبیین و ارائه روایت از جنگ و لفاظی در برابر دشمن دارد ترسی از تهدید دشمن ندارد.

نگهبان در دو انتخابات ریاست جمهوری در کمال تعجب صلاحیت وی را احراز نکرد! لاریجانی در همه این سال‌ها حامی دیپلماسی، مذاکره و حل مسائل سیاست خارجی کشور به ویژه مسئله هسته‌ای از طریق گفت‌وگو و رسیدن به توافق با غرب بود.

در جنگ ۱۲ روزه ولی ناگهان تصویر جدیدی از علی لاریجانی را دیدیم؛ فردی که کت نمی‌پوشد، پیراهنش را روی شلوارش می‌اندازد و آستین‌ها را بالا زده ؛ در روزهایی که شاید انتظار داشتیم افرادی که همیشه مخالف مذاکره بودند پرچم حمایت از جمهوری اسلامی را به دست بگیرند، این علی لاریجانی بود که در اولین روزها در قاب تلویزیون دیده شد و شروع به تهدید غرب و به ویژه گروسی کرد.

در زمانی که بعد از آتش بس، برخی از خودی‌ها

تصویری که از علی لاریجانی در سال‌های گذشته در ذهن مخاطب نقش بسته، سیاستمداری کت و شلوار، با پیراهن‌های یقه بسته، ادبیات رسمی و تا حدی دیپلماتیک.

به گزارش خبرآنلاین، روزنامه خراسان نوشت: لاریجانی ۱۲ سال رئیس مجلس بود و در این سه دوره متقدان و دشمنان زیادی داشت. یک زمانی رئیس جمهور وقت در عملیاتی گنگستری برای تخریب وی فیلم بردارش را در مجلس پخش کرد، یک زمان به علت دفاع از ساخت مجلس هدف هجمه شدید رئیس قوه قضاییه که برادرش بود قرار گرفت، یک دوره هم دشمن اصلی پایداری‌های مجلس بود و متهم اصلی تصویب برجام در ۲۰ دقیقه.

البته این دشمنی‌ها بی‌نتیجه هم نبود و شورای

جنگ های اسرائیل برای تثبیت هژمونی منطقه ای

درصد بعد از بمباران آمریکا فراهم کند. به واقع، اجازه دسترسی دادن یا ندادن ایران به بازرسان آژانس خود یک اهرم چانه زنی برای دیپلماسی کشورمان است. به عبارت دیگر با پویایی های جدید ناشی از جنگ، ورشش این است که ایران خود اکنون خواهان فروپاشی این نظام هست یا به حضور در آن برای تداوم دیپلماسی و افزایش قدرت چانه زنی خود نیاز دارد.

اما نمایش قدرت پادگانی، همراه با سیاست ایجاد ترور و وحشت و خرابکاری از سوی رژیم فعلی اسرائیل در منطقه همزمان نگرانی های جدی در میان اعراب منطقه و ترکیه ایجاد کرده که دامنه تجاوز نظامی و هراس افکنی نتانیاهو تا کجا در جغرافیای منطقه ادامه می یابد و دکتترین جدید نظامی اسرائیل چگونه معادلات سیاسی و امنیتی منطقه را تحت تاثیر قرار می دهد. به عنوان نمونه، نقش فرانیده اسرائیل در معادلات قدرت داخلی سوریه در روزهای اخیر بی تردید منجر به ناراضیاتی جهان عرب، به ویژه عربستان سعودی و مصر می شود. ترکیه هم نگرانی های سیاسی-امنیتی ویژه خود را در نتیجه تغییر موازنه قدرت منطقه ای به نفع اسرائیل دارد. جلوگیری از سیاست هژمونی طلبانه اسرائیل در شکل دهی یک نظم منطقه ای دلخواه، نیازمند بکارگیری یک سیاست خارجی هوشمند و فعال از سوی ایران است. از یک سو، تقویت همکاری های منطقه ای و حرکت به سوی یک اتحاد برای صلح منطقه ای در قالب فعالیت های دیپلماتیک و برگزاری کنفرانس های ابتکاری با مشارکت کشورهای منطقه باید در دستور کار سیاست خارجی کشورمان قرار گیرد. از سوی دیگر، توان تهاجمی و آمادگی نظامی کشور برای پاسخگویی به هرگونه تجاوز مجدد اسرائیل یا آمریکا باید تقویت شود. فراموش نکنیم ایران تنها کشوری است که از پس اسرائیل (با حمایت لجستیک و اطلاعاتی آمریکا) در دهه های اخیر برآمده است. عدم موفقیت اسرائیل و آمریکا در دستیابی به تمامی اهداف جنگی خود به معنای عدم شکست ایران در این مرحله از جنگ است. همزمان باید مذاکرات جدی با اروپایی ها برای عدم اجرای اسنپ یک با حداقل تمدید زمان اجرای آن با هدف خنثی کردن سیاست اسرائیل آغاز شود. قدرت ای اروپایی بی تردید درک می کنند که با اجرایی کردن اسنپ یک و بازگشت تحریم های اقتصادی سازمان ملل، دلیل دیرل قانع کننده ای دیگری برای کاهش تنش و پیگیری دیپلماسی نخواهد داشت. نتیجه اجرای اسنپ یک می تواند خروج ایران از قرارداد منع اشاعه هسته ای باشد که خود ریسک فروپاشی کامل نظام اشاعه هسته ای را در بر خواهد شد. بازنده اصلی این تحول هم اروپایی ها خواهند بود که موازنه نقش مستقل جهانی خود را در نزد آمریکا، چین و روسیه از دست می دهند.

* استاد روابط بین الملل

جنشش (مگا) برای اعراب منطقه و قدرت های رقیب یعنی چین و روسیه بود. البته حمایت آمریکا از تثبیت هژمونی منطقه ای اسرائیل نه صرفا به منظور موازنه سازی قدرت در منطقه، بلکه بیشتر با هدف تامین منافع واشنگتن از طریق بازوی نظامی منطقه ای خود یعنی اسرائیل صورت می گیرد. به واقع، جنگ ۱۲ روزه هدف مشترک و کلان آمریکا و اسرائیل در شکل دهی نظم منطقه ای مورد نظر آنها را به نمایش گذاشت.

حمایت ضمنی کشورهای اروپایی از رژیم نتانیاهو در این جنگ هم به نوعی با هدف تثبیت هژمونی اسرائیل در نظم جدید منطقه ای صورت می گیرد. اظهار نظر بی پرده صدراعظم آلمان که «اسرائیل کار کثیف را برای همه ما انجام می دهد» نشان از یک واقعیت استراتژیک است که اروپایی ها نیز رژیم نتانیاهو را یک بازوی نظامی برای پیشبرد اهداف و منافع خود در منطقه در نظر می گیرند. فرانسوی ها هم اعلام کردند که در سرتوگنی بعضی از پهباد های ایرانی در طول جنگ ۱۲ روزه نقش مستقیم داشتند. یکی از اهداف اروپایی ها در تهدید به اجرای «اسنپ یک» را هم می توان به نوعی در راستای حمایت از محورقرار دادن اسرائیل در نظم منطقه ای از طریق بازگشت تحریم های اقتصادی و تضعیف قدرت ایران در منطقه در نظر گرفت.

مهمترین دلیلی که ایران را به پذیرش آتش بس قانع کرد امید به مذاکره هسته ای برای لغو تحریم ها و بهبود وضعیت اقتصادی کشور بود. در روزهای آخر جنگ ایران در وضعیت برنده نظامی قرار گرفت و با بازبایی توان عملیاتی خود قادر به ضربه زدن جدی به اسرائیل بود. بر همین مبنای بود که جریانی در درون ایران خواهان تداوم عملیات جنگی به منظور حفظ موازنه قدرت به نفع ایران بود. جنگ ها اغلب پویایی ها و واقعیت های جدیدی به یک منازعه طولانی وارد می کنند. جنگ ۱۲ روزه هم از این قاعده مستثنی نیست و لذا نمی توان به گذشته برگشت. یکی از نگاه های غالب قبل از تجاوز اسرائیل به کشورمان مسئله ضرورت خروج ایران از آن. پی. تی به منظور افزایش چانه زنی ایران در مذاکرات هسته ای بود. اما با پویایی های جدید از جمله بمباران تاسیسبات هسته ای و تلاش آژانس بین المللی انرژی اتمی برای بازرسی از آخرین وضعیت تاسیسبات اتمی ایران، اکنون ماندن در قرارداد منع اشاعه هسته ای خود به ابزاری برای چانه زنی تبدیل شده است.

بعد از آتش بس مجلس شورای اسلامی همکاری با آژانس بین المللی را به حال تعلیق در آورد و آن را منوط به تصمیم شورای عالی امنیت ملی کشور کرد. با این تحول، اکنون ایران تنها مرجعی است که می تواند شرایط میدانی را برای راستی آزمایی در مورد وضعیت تاسیسبات هسته ای و سرنوشت اورانیوم غنی شده ۶۰



کیهان برزرگ

تجاوز مستقیم نظامی اسرائیل به ایران به بهانه نابودی برنامه هسته ای یا تضعیف توان موشکی کشورمان، همزمان یک هدف کلان و استراتژیک دیگر را هم دنبال می کرد و آن نمایش قدرت پادگانی این رژیم به منظور شکل دهی نظم جدید منطقه ای یا محوریت هژمونی اسرائیل است که همواره مورد حمایت قدرت های غربی به ویژه آمریکا هم بوده است.

ادامه یادداشت در تاتناگ آمده است: رژیم اسرائیل با بهره برداری فرصت طلبانه و زنجیره وار از خلا قدرت بوجود آمده بعد از تحولات ۷ اکتبر (عملیات طوفان الاقصی در غزه)، دکتترین جدید امنیت ملی خود را بر مبنای تامین امنیت مطلق از طریق توسل به عملیات نظامی در کل جغرافیای منطقه در شرایط مرزهای «قابل دفاع» در سوریه، لبنان و فلسطین تاکید می کرد، دکتترین جدید بر پیش دستی نظامی برای حذف تهدیدهای بالقوه در سرتاسر منطقه تکیه دارد. در این راستا، اسرائیل عملیات نظامی را در هر فرصت پدید آمده، حتی به قیمت تضعیف روندهای دیپلماتیک جاری، همچون مذاکرات هسته ای بین ایران یا آمریکا یا عادی سازی روابط با اعراب منطقه انجام می دهد. بمباران گسترده و بی تناسب روزهای اخیر اسرائیل به ستاد فرماندهی، کاخ ریاست جمهوری و وزارت دفاع سوریه در دمشق فراتر از حمایت از اقلیت دوروزی های ساکن جنوب غربی سوریه، بیشتر نمایش قدرت پادگانی اسرائیل به منظور شکل دهی نظم جدید منطقه ای یا محوریت خود است.

یکی از اهداف اصلی نتانیاهو در جنگ ۱۲ روزه جایگزینی یک حکومت غیرمتخاصم با اسرائیل در ایران بود که مخالفتی با پیشبرد اهداف هژمونی طلبانه اسرائیل در منطقه نداشته باشد. اسرائیل کاملاً آگاه بود که ظرفیت پیروزی کامل در یک جنگ مستقیم و طولانی با ایران را ندارد، بنابراین از میانه جنگ هدف تغییر رژیم در ایران را هم به اهداف اعلامی خود در جنگ وارد کرد و ترامپ را هم به عملی بودن این سیاست قانع کرد.

جالب اینکه بمباران تاسیسبات هسته ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان توسط آمریکا در روز آخر جنگ هم صرفا با هدف از بین بردن کامل برنامه هسته ای ایران نبود، بلکه همزمان در جهت نمایش قدرت نظامی آمریکا در حمایت مطلق از اسرائیل در میانه جنگ و البته نمایش و پیام سیاسی قدرت واشنگتن (رطرداران

خبر

اختلافات قومی و مذهبی، اهرم اسرائیل در تجاوز به سوریه

کارشناس مسائل منطقه با اعتقاد به این‌که «اسرائیل هیچ وقت دنبال این نبوده که سوریه یک کشور واحد قدرتمند باشد»، گفت: در شرایط کنونی رژیم صهیونیستی از فضای اختلافات قومی و مذهبی در سوریه نهایت استفاده را کرد تا اهداف خود را محقق کند.

به گزارش ایسنا، تحولات اخیر در دمشق و درگیری‌های شدید میان عشاير بدوی و گروه‌های محلی همزمان با حملات رژیم صهیونیستی به سوریه، صحنه تازه‌ای از تداوم تجاوزات این رژیم را رقم زده است. پس از در اختیار گرفتن حکومت توسط «احمد الشرع»، رئیس دولت خودخوانده سوریه و تحرکات بازیگران مختلف در این کشور، این اقدامات دور از ذهن نبود. کاملاً مشخص بود که اسرائیل به دنبال تجزیه سوریه است.

این رژیم در تلاش است تا با حمایت از کردهای شرق فرات و دروزی‌ها اجازه ندهد تا یک دولت مرکزی یکپارچه در این کشور ایجاد شود. تقریباً یک هفته پیش برخی منابع محلی در جنوب سوریه به آغاز اقداماتی از سوی رژیم صهیونیستی خبر ندادند که هدف از آن، ایجاد منطقه‌ای حائل در مثلث مرزی مشترک میان سوریه، لبنان و اراضی اشغالی است، در نتیجه اواخر هفته گذشته شاهد تنش‌های شدید در سوریه و به دنبال آن حملات هوایی رژیم صهیونیستی به دمشق و حتی مراکز مهم در این کشور بودیم.

بسیاری از کشورها از جمله کشورهای منطقه نسبت به این تحولات موضع‌گیری داشته و ادامه این اقدامات را ناپایداری برای منطقه عنوان کردند. در همین ارتباط «هاکان فیدان» وزیر خارجه ترکیه در تماسی تلفنی با «اسعد الشبیانی» وزیر خارجه دولت موقت سوریه ضمن تاکید بر این که آنکارا از تمامیت ارضی سوریه و وحدت سیاسی و حاکمیت آن حمایت می‌کند، گفت: ما تحولات سوریه را از نزدیک دنبال می‌کنیم و مایلیم هرچه سریع‌تر ثبات برقرار شود. ما آماده ایفای نقش در این زمینه هستیم.

بنابراین پس از چند روز که درگیری‌ها شدت داشت، نهایتاً رسانه‌های سوریه جزئیاتی از توافق آتش‌بس در استان سویداء را منتشر کردند؛ توافقی که در پی چند روز درگیری شدید میان عشاير بدوی و گروه‌های محلی و هم‌زمان با حملات هوایی رژیم صهیونیستی به دمشق، حاصل شده است. براساس گزارش‌های داخلی، نیروهای امنیت عمومی سوریه اجرای مفاد توافق را آغاز کرده‌اند و به‌سمت شهر سویداء حرکت کرده‌اند تا امنیت را بازگردانند و نظارت بر اجرای توافق را برعهده بگیرند.

منافع اسرائیل در تجزیه سوریه است

«عماد آبنشاس» کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با ایسنا در تحلیل خود از تحولات اخیر در سوریه اظهار داشت: اقدامات اسرائیل چیزی بود که قبل‌تر هم پیش‌بینی می‌شد و اکنون آن برنامه‌ها را انجام می‌دهد. رژیم صهیونیستی هیچ وقت دنبال این نیست که سوریه یک کشور واحد قدرتمند در کنار اسرائیل باشد. در واقع منافع اسرائیل در این است که سوریه تجزیه شده و وارد یک جنگ و درگیری شود. وی افزود: اسرائیل به دنبال این است تا نقشه خود یعنی از نیل تا فرات را محقق کند، به همین دلیل از فضای اختلافات قومی و مذهبی در سوریه نهایت استفاده را می‌کند و در پی این است تا دالانی را از سرزمین فلسطین اشغالی تا عراق و ترکیه ایجاد کند و برای تحقق این برنامه خود، مناطق دروزی و کردی را بایده به یکدیگر وصل کند، در این مناطق افرادی هستند که مورد حمایت او قرار دارند و آن‌ها اهداف رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کنند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل همچنین بیان کرد: متأسفانه دولت مرکزی سوریه با بسیار ضعیف است و یا این‌که همراهی می‌کند. به هر حال کاری که باید انجام دهد را انجام نمی‌دهد تا در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی مقابله کند.

بعید می‌دانم آتش‌بس میان دمشق و رژیم صهیونیستی دوام داشته باشد آبنشاس درباره توافق آتش‌بس میان دمشق و رژیم صهیونیستی در استان «سویداء» در جنوب سوریه نیز اظهار کرد: بعید می‌دانم دوام داشته باشد، زیرا رژیم صهیونیستی اجازه نمی‌دهد آرامش برقرار باشد و اگر هم در این منطقه آرامش حاکم شود حتماً در جای دیگری دست به یکسری اقدامات می‌زند. وی درباره تلاش‌ها و مواضع ترکیه در پی تحولات جاری در سوریه نیز گفت: تاکنون که ترکیه حمایت شفاهی داشته است، اما در عمل باید دید چه کاری انجام داده است، ترکیه در عمل هیچ اقدامی انجام نداده است. در حقیقت او بدون اجازه آمریکا جرأت انجام هیچ اقدامی را ندارد، مخصوصاً که پای اسرائیل در میان باشد. این شعارها همواره مطرح شده، اما اقدام عملی صورت نگرفته است.